

یهودی منوهین



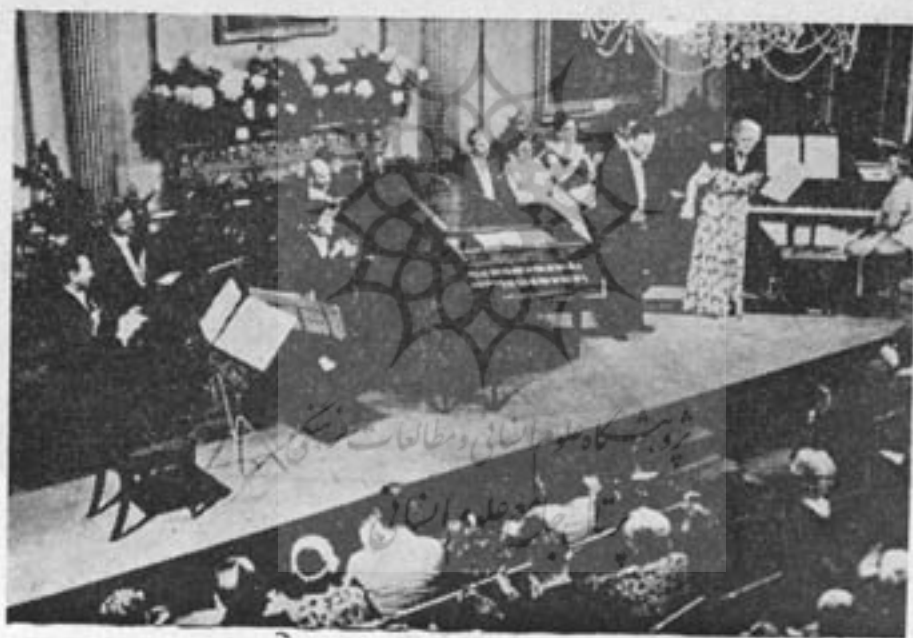
- ۳ -

ترجمه امیر اشرف آریان پور

انسکو شاگرد با استعداد خود را به ادامه تعلیمات پرسینگر تشویق کرد. او قصد داشت که احساس و طبع و «فانتزی» یهودی را آنقدر توسعه دهد که «نیروهای قلب و روح نوازنده جوان به یگانگی مطلق برسد». خود انسکو باین مرحله از کمال رسیده بود. او احساس فراوان را از سرزمین کولی‌ها (رومانی) گرفته و

با استعداد ذاتی خود آمیخته بود ... یهودی ساعتی را که از انسکو تعلیم می-گرفت جزو مهم‌ترین و با ارزش‌ترین لحظات عمر خود بشمار می آورد و براسستی برخوردار دو هنرمند که خصوصیات تقریباً مشترکی داشتند و از آندو، نفر جوان‌تر حریرسانه گوش به تعلیم دومی می داد ، دیدنی بود .

با همه این‌ها انسکو هم نتوانست توجه یهودی را آنطور که باید و شاید به برخی از نکات و ریزه کاری‌های نوازندگی جلب کند . البته منوهین در طی این مدت بسیاری از قطعات پیچیده کلاسیک را آموخت ؛ اما نه برای آنکه بر مشکلات و معماهای آنان دست یابد، بلکه بخاطر آنکه آنها را به «رپر توار» خود بیفزاید. او با استعداد فوق‌العاده‌ای که داشت تا مدتی این خطاهای تکنیکی را از گوش شنوندگان پنهان کرد ؛ اما از نظر اصولی «اشکالات» مزبور همچنان باقی ماندند و در طی سال‌ها بنحو قابل ملاحظه‌ای مزاحم یهودی شدند .



باکواریت منتخب از ارکستر فستیوال «بث»

پسال ۱۹۲۷ منوهین استاد خود را برای همیشه ترک گفت و بزودی اعلان‌های کنسرت‌های او بار دیگر در و دیوار شهرها را پوشانید . یهودی در ضمن اجرای برنامه در برلن با برادر «فریتس بوش» که آدولف نام داشت و از نوازندگان معروف و پولون آن زمان بود ، آشنا شد .

فریتس بوش در مورد این «آشنائی» در خاطرات خود چنین می نویسد ،
 «ترتیب دادن ملاقات یهودی با برادرم آدولف برای من کار آسانی نبود من یقین
 داشتم که برادرم اظهار تمایل می کرد که به منوهین تعلیم بدهد ؛ اما از طرف
 دیگر او از والدین اینگونه کودکان با استعداد خاطره خوشی نداشت . . . چون
 کارهائی در پیش داشتم منوهین را بزخم سپردم و او کودک محبوب را با خود به
 برلن برد و به آدولف معرفی کرد . برادرم در نخستین برخوردنگاهی به سرتاپای
 یهودی کرد و بزخم گفت ، «اگر او می خواهد يك نوازنده واقعی بشود بگذار حرف
 بزند ، اما در صورتی که والدین او قصد دارند با او تجارت کنند ، در این صورت
 بهتر است هرچه زودتر اطاق را ترك نماید . . .» این ملاقات در هتل «ادلون»
 شباهت زیادی به اولین روز آشنائی من و یهودی در نیویورک داشت . در آن روز
 من با شنیدن کنسرتو ویولون بتهوون بطوری مجذوب هنرنمائی منوهین شدم که
 موافقت کردم او این اثر را در کنسرتو بزند و این بار برادرم آدولف قبول کرد که
 با کمال میل منوهین را به شاگردی بپذیرد ...



در حین اجرای برنامه با ارکستر فستیوال «بث»

یهودی در این دیدار فقط چند میزان از قطعه ای را نواخت و همان کافی
 بود که آدولف بوش به میزان استعداد و نبوغ وی پی ببرد . بوش در بازل بسر می-



برد و بناچار منوهین و خانوادۀ ایشان هم ساکن این شهر شدند و بزودی درس آغاز شد ...

چندی بعد آتش شوق پدر و پسر (منوهین‌ها) بسردی گرائید زیرا هر دو در یافتند که «بوش» معلم ابده‌الی نیست. بوش شرط کرده بود که یهودی در هیچ کنسرت شرکت نکنند و این شرط چه از نظر تبلیغات برای یهودی و چه از جهت مسائل و مشکلات مالی نمی توانست برای مدتی طولانی مورد قبول پدر منوهین باشد. «فریتس بوش» در خاطراتش باین موضوع اشاره می کند: «من از صمیم قلب برای یهودی «آرامش کامل» آرزو می کردم زیرا فقط در آن صورت بود که این کودک با استعداد می توانست استادی عالیقدر بشود. ویولونیست معروف «ژوزف یواخیم» چنین آرامشی را داشت. پدر او در سال‌های خطرناک جوانی بهترین راهنمای پسر هنرمندش بود و او را با شخصیت‌های بزرگی از قبیل «فردیناند داوید»، «مندلسون»



درحین رهبری با تفاق
خواهرش هبزیاه

رؤیای شکار علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 روبرت وکلاراشومان، لیست، واگنر و برامس آشنا کرد و با استفاده از محضر
 این استادان بزرگ بود که یواخیم توانست عنوان «بهترین نوازنده ویولون قرن»
 را کسب کند. اما در مورد یهودی منوهین چنین نبود. او به تشویق پدرش سعی کرد
 که قبل از موقع بصورت یک «ویرتوئوز» معرفی شود؛ به همین جهت بزودی شهرها
 معالک و قاره‌ها را زیر پا گذاشت و با اجرای برنامه‌های متعدد بعنوان یک کودک
 نابغه در همه جا مشهور شد...»

یهودی متاسف بود که آدولف هوش نمی تواند معلم ایده‌آلی همچون انسکو
 باشد و باین ترتیب جدائی آنان در سال ۱۹۳۰ امری اجتناب ناپذیر بود. شاید
 منوهین در آن زمان ارزش زیادی برای «هوش» قائل نبود اما انکار نمی توان
 کرد که اجرای عالی سونات‌های باخ و نیز برخی از کنسرتوهای ویولون موزار و

تنها کنسرتوی ویولون بتهوون بوسیله منوهین ، نتیجه تعلیماتی است که او از آدولف بوش دیده است .

با جدا شدن یهودی منوهین از آدولف بوش دوره تعلیم او نیز خاتمه یافت .

سازهای منوهین

چهار ساله بود که اولین ویولون را دریافت کرد ، این ساز فقط چند هفته مورد توجه یهودی خرد سال قرار گرفت زیرا يك بازپیچ بیشتر نبود . یهودی در غالب کنسرتوی ارکستر سنفونیک شهر بهمراهی پدر و مادرش حضور می یافت و بارها طرز گرفتن ویولون و نهادن آرشه را بروی سیمها دیده بود . اوایل سعی می کرد همین کارها را با ویولون خود انجام دهد اما چون صدای مطبوعی از سازش شنیده نمی شد آنرا بزودی بدور انداخت .

یکسال بعد در جشن پنجمین سال تولدش يك ویولون حقیقی دریافت کرد و در مدتی کوتاه توانست آنرا به نحوی دلخواه بسدا در آورد و چند ماه بعد با همین ساز اولین درس ویولون را گرفت .

در سال ۱۹۲۵ خانواده منوهین يك ویولون مارك «گرانچینو» برای او تهیه کردند که يك هشتم از ویولونهای معمولی کوچکتر بود . خانواده ویولون ساز «گرانچینو» از بنیان گذاران مکتب ویولون سازی میلان بشمار میرفت و پیرترین آنان (آندره گرانچینو) از سال ۱۶۴۶ در میلان اقامت داشت . البته ویولونهای ساخت این خانواده در شمار بهترین ویولونهای ساخت ایتالیا نیست ؛ با وجود این یهودی این ساز را در دست داشت و در ژانویه ۱۹۲۶ با همان در کنسرتوی نیویورک هنر نمائی کرد .

چند سال بعد ویولون «گرانچینو»ی دیگری - با اندازه طبیعی - به منوهین داده شد که در سال ۱۶۹۰ ساخته شده است . منوهین با این ساز اولین درس را از انسکو گرفت و این ویولون سالها همه جا همراه او بود .

روز ششم ژانویه ۱۹۲۹ در زندگی هنری منوهین نقش خاصی داشت . در این روز بانکدار ثروتمند و هنر دوست معروف «هانری گلدمان» - که در اجرای کنسرتوی منوهین در کارنگی هال حاضر بود يك ویولون استرادیواریوس باو هدیه کرد . منوهین اجازه داشت از میان يك کلکسیون جالب ویولونی انتخاب نماید و او يك ویولون کون هولر - استرادیواریوس را انتخاب کرد .

سرگذشت ویولونهای معروف در طول سالها و قرنها سامی خاصی با آنان بخشیده

است. ساز انتخابی منوهین در اواخر عمر استاد برجسته مکتب ویولون سازی کرهونا «آنتونیواسترا دیوار یوس» (۱۷۳۷ - ۱۶۴۴) ساخته شده و نام سازنده ویولون در قسمت داخلی ساز حک شده است. قسمت اول نام این ویولون به شاهزاده «کون هولر» مربوط می شود که روزگاری مالک آن بود. بعد هم این ساز به «ژوزف بوم» معلم ژوزف یواخیم و «هانریش ویلهلم ارنست» رسید و سپس بر روسیه برده شد. بعد از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، تاجر سرشناس ویولون «امیل هرمان» آنرا خرید و چندی بعد به «هانری گلدمان» فروخت.



منوهین از ویولون استرا دیوار یوس خود فقط در کنسرتهاش استفاده می کند و تمرینها را با ویولون «گرانچینو» انجام میدهد؛ چند سال قبل نیز ویولون ساز فرانسوی «امیل فرانسه» از روی ویولون کون هولر - استرا دیوار یوس یک ویولون برای منوهین تهیه کرد.

بعد از تولد اولین بچه منوهین «زامیرا» او يك ویولون «کارنری» - که در سال ۱۷۴۲ ساخته شده - به زنتش نولا هدیه داد. ژوزف کارنری (۱۷۳۴-۱۶۹۸) در ردیف استاد یواریوس و از بزرگترین سازندگان مکتب کرمناست و ویولون‌های او بجهت طنین بسیار زیاد و نسبتاً غیرعادی شهرت دارد.

در سال ۱۹۵۱ منوهین يك ویولون دیگر مارك استاد یواریوس از امیل هرمان خرید. این ویولون در سال ۱۷۱۴ ساخته شده و تا چندی پیش به يك بلژیکی علاقمند به آثار قدیمی بنام «سویل» تعلق داشت و اینك نیز بنام سویل - استاد یواریوس خوانده می شود.

نقش منوهین در موسیقی مجلسی ، رهبری و تعلیم

«رپرتوار» سولوی يك نوازنده ویولون كوچك نیست با وجود این اومی كوشد که به حوضه موسیقی مجلسی نیز دست درازی كند، زیرا در این نوع موسیقی پیوسته چیزهای نوی می یابد؛ از طرف دیگر همکاری چند سولیست يك احساس آزادی و آرامش بآنان می بخشد و این حالت بندرت بيك سولیست دست میدهد.





با همسرش «دیانا» و پسرهایش
جرالد و برمی

با همه اینها موسیقی مجلسی نمی‌تواند ایده آل یک سولیست درجه اول باشد زیرا او هرگز نمی‌تواند این حوضه وسیع را که شامل صدها کوارتت و تریو و غیره است، تسخیر کند؛ علاوه بر آن کوارتت ترکیبی از چهار نفر با استفاده از یک ساز با شانزده سیم است. این چهار نفر ارزشی کاملاً مساوی دارند و همین مساوی بودن، موافق طبع سولیست که صحنه را عرصه یکه تازی و تک نوازی خود می‌داند، نیست و به همین دلیل معمولاً سولیست‌های معروف از نوازندگی در کوارتت یا تریو زهی خودداری می‌کنند.

منوهین از دوران کودکی با موسیقی مجلسی آشنا شد. در آن سالها او در نیویورک اقامت داشت و از پرسینگر درس می‌گرفت و غالباً در تمرین‌های کوارتت زهی که پرسینگر تشکیل داده بود، حضور می‌یافت. این تمرین‌ها بدون تردید اثر زیادی در کودک آن روزی گذاشت. بعدها برنامه کنسرت‌های منوهین غالباً از دو بخش تشکیل می‌شد باین ترتیب که در بخش دوم قطعات سولورا می‌نواخت و در قسمت



بادخترش زامیرا و پسرش
پرمی، ۱۹۵۴

اول يك يا چند سونات و پلولون و پيانو را اجرا می کرد .

همکارهای منوهین در اجرای سونات‌های و پلولون و پيانو ابتدا پرسینگر
و بعد «هوبرت گیزن»، «آرتور بالسام»، «مازسل گازل»، «آدولف بالر» و لوئی کنتنر
بودند .

در حدود سی سال است که خواهر منوهین «هیزباه» در اجرای سونات
با او همکاری می کند و انسکو همیشه همانگی فوق العاده این خواهر و برادر
هنرمند را می ستود ؛ البته هیزباه نیز بعنوان سولیست شهرت دارد و در کنسرت‌های
بسیاری شرکت کرده است .

در چند سال اخیر موسیقی مجلسی در «رپر توار» منوهین نقش اساسی تری
داشته و او حتی در تریو می نوازد . اولین بار تریو در لامینور راول را با شرکت
لوئی کنتنر و گاسپار کاسادو جهت ضبط در صفحه گرامافون نواخت ؛ چندی بعد
تریوئی با شرکت خواهرش و نوازنده معروف و یولنسل «موریس گندرون» تشکیل داد

و اخیراً سکست زهی درسی بعل مازور اثر برامس را با شرکت نوازندگان ارکستر مجلسی «بت» در روی صفحه ضبط کرد .

دو فستیوال موسیقی بوسیله منوهین شهرت جهانی کسب کرده اند یکی فستیوال «بت» در شهر بیلاقی انگلیس بهمین نام و دیگری فستیوال شهر «گشتاد» در سویس. در هر دو این فستیوالها موسیقی مجلسی بخش اصلی برنامه را تشکیل می دهد و اصولاً یکی از ارکان مهم فستیوال «بت» ارکستر مجلسی است بهمین نام که منوهین آنرا رهبری می کند و گاهی ضمن رهبری با اجرای بخش سولوی قطعه نیز می پردازد .

این ارکستر مجلسی از ارکسترهای خوب اروپاست و تاکنون برنامه های ارزنده ای در بسیاری از شهرهای اروپا اجرا کرده است. معمولاً در این فستیوال ابتدا منوهین يك یا چند قطعه سولو می نوازند و بعد کنسرتو گروسوی هندل، یکی از سنفونی های هایدن و یا دیورتیمنتو، ی زهی از بارتوک را با حرکت هر دو دست رهبری می نماید .



با پرس جرالک ، ۱۹۵۴



بداخترش زامیرا و دامادش
دفوتسوتنگ، ۱۹۶۰

در هنگام رهبری منوهین سعی می‌کنند که یک نوازنده موسیقی مجلسی باشد و بهمین جهت از نوازندگان ارکستر همکاری متقابل خواستار است. منوهین شخصاً راجع به مفهوم رهبری ارکستر اینطور می‌نویسد: «برای من مراد از رهبری یافتن راه تازه‌ای جهت اجرای موسیقی است. من در کار رهبری همیشه «شانس» داشته‌ام زیرا معلمانم بخصوص پرسینگر، انسکو و بوش نه تنها نوازنده ویولون، بلکه موسیقی دان‌های اصیل و همه جانبه‌ای بودند. شانس دیگرم این است که در تمام فعالیت‌های هنریم با بزرگترین رهبران ارکستر سرو کار داشتم. برای من موسیقی مفهومی بیش ازیک ساز یا آواز تنها دارد و باین جهت همیشه به موسیقی مجلسی توجه داشتم. فکر نکنید که من قصد دارم عنوان رهبری ارکستر را برای خودم کسب کنم؛ نه من فقط آرزو دارم انواع مختلف موسیقی را مورد بررسی قرار دادم و آثار آهنگسازان را آنطور که با گوش‌درون خود می‌شنوم، اجرا کنم. البته نوازنده و رهبر، هر دو بودن کار آسان نیست؛ از

طرف دیگر این امر بازگشتی به روز کاران گذشته است زیرا در آن زمان ها در ایتالیا و برخی دیگر از کشورهای اروپا نوازنده و یولون اول «آسامبل» را هم رهبری می کرد ... من هیچوقت از نوازندگی و یولون دست نخواهم کشید و هیچ چیز بیش از نوازندگی خوشحالم نمی کند ، با وجود این خیلی مایلم با اتفاق همکارانم موسیقی مجلسی نیز بنوازم و «رپرتوار» وسیعی برای ارکستر خود ترتیب دهم و از این راه نیز با همه قلب و روح در موسیقی سحرآمیز غرق شوم ...»

در خاتمه بد نیست که اشاره ای به تعلیم موسیقی بوسیله منوهین کنیم . او چندی قبل با اتفاق «روت رایلتون» یک مدرسه عالی موسیقی در لندن ایجاد کرد که به تقلید از روش کار مدارس موسیقی روسیه اداره می شود . منوهین راجع به نوازندگان آینده و یولون یعنی هنرجویانی که زیر نظر او و یولون می نوازند ، اینطور عقیده دارد :

«ویولونیست فردا باید یک موسیقی دان همه جانبه باشد زیرا از جانی سبک های نو بسیار غنی و متفاوت است و از طرف دیگر موزیکولوگ ها روز بروز قطعات فراموش شده بیشتری را کشف می کنند . ویولونیست آینده نباید مثلا فقط آثار چایکوفسکی را بنوازد بلکه بایستی در هر سبک و هر «آسامبلی» کار کرده باشد و از همه مهم تر یک نوازنده «خیلی با استعداد» نباشد ...»

پایان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

از شماره آینده :

پابلو کازالس